



رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به تغییرات آب و هوایی و مهاجران اقلیمی

محمد لعل علیزاده، محمدرضا تقوی^۲

۳۰

چکیده

رژیم حقوقی آب و هوایی در مجموعه گسترده‌تر حقوق بین‌الملل متولد شده است، این پژوهش با تکیه بر بحث کنونی درباره تغییرات اقلیمی و پدیده مهاجرت‌های ناشی از آن در حقوق بین‌الملل، چالش‌های پیش روی حقوقدانان را در تبیین رابطه بین رژیم آب و هوا و پیامدهای سیاسی و اقتصادی چندجانبه، برجسته می‌کند. پس از درک پیامدهای مهاجرت‌های اقلیمی، پرسش اساسی این است که حقوق بین‌الملل در خصوص تغییرات آب و هوایی و مهاجران اقلیمی چه رویکردی دارد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی این تقویت مباحثی است که جنبه‌های نهادی این روابط را در نظر می‌گیرد و سرانجام منتهی به افزایش همکاری و هماهنگی دولت‌ها شود. حقوق بین‌الملل، و به ویژه مفهوم نوظهور یکپارچگی سیستمی، این پتانسیل را دارد که بتواند در آینده، نقش مثبتی در تعامل اقلیم با سیاست و تجارت ایفا کند. از مهمترین توافقات بین‌المللی راجع به تغییرات اقلیمی، پیمان پاریس ۲۰۱۵ است. به نظر می‌رسد توافق پاریس چارچوبی پایدار برای هدایت تلاش‌های جهانی برای دهه‌های آینده فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مهاجران اقلیمی، حقوق پناهندگان، تغییرات اقلیمی، حقوق بین‌الملل، توافق پاریس ۲۰۱۵.

دوره ۸، شماره ۳، بهار ۳۰

پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۰۵

صص: ۲۵۲-۲۲۹

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. m.lalalizadeh@pnu.ac.ir

۱. دانشیار گروه سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

موافقت نامه پاریس مهمترین سند بین‌المللی است که به مهاجران یا پناهندگان اقلیمی اشاره دارد. توافق پاریس که با نام پیمان پاریس نیز شناخته می‌شود، ذیل چارچوب پیمان‌نامه سازمان ملل در تغییر اقلیم در رابطه با کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری و امور مالی مرتبط با آن است. متن توافق از سوی نمایندگان ۱۹۵ کشور در کنفرانس تغییر اقلیم ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد در پاریس مذاکره و با اجماع در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ تصویب شد. این پیمان در ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ (روز زمین) در مراسمی در نیویورک برای امضا معرفی شد. تا سال ۲۰۱۷، ۱۹۵ عضو این پیمان را امضا و ۱۴۷ کشور آن را به تصویب مجلس خود رسانده‌اند. تاکنون نشست‌های بسیاری برای تحقق اهداف این پیمان برگزار شده است. در ۱۳ نوامبر ۲۰۲۱، نشست بیست و ششم تغییرات آب و هوایی در گلاسکو به پایان رسید. هزاران نماینده از تقریباً ۲۰۰ کشور به اسکاتلند آمدند. بیست و ششمین کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد در مورد اجرای بیشتر توافقنامه آب و هوای پاریس بود که باید گرمایش جهانی را به ۱٫۵ درجه محدود کند. «پیمان آب و هوای گلاسکو» موضوع تعهدات کشورهای امضاکننده راجع به کاهش استفاده از انرژی فسیلی و همچنین بارانه‌های ناکارآمد سوخت‌های فسیلی را مطرح کرد. اگرچه کنفرانس کمک‌های مالی را نیز به یک موضوع تبدیل کرد، اما طراحی دقیق کمک برای اقدامات تطبیقی در نظر گرفته نشد.

در حالی که دولت‌های جهان عمدتاً نگران کاهش گازهای گلخانه‌ای هستند، تغییرات آب‌وهوایی فضای زندگی افراد بیشتری را نابود کرده است. بلایای طبیعی مانند خشکسالی یا باران‌های شدید منجر به از دست دادن محصول می‌شود که منجر به فقر و گرسنگی می‌گردد. در نتیجه، تعداد افرادی که ابتدا به مناطق همجواری گریخته و سپس به کشورهای ثروتمند دیگر پناه می‌برند نیز رو به افزایش است. با این حال، کشورهای آسیب‌دیده فاقد منابع مالی برای حفاظت از این منابع و ایجاد سازگاری‌های آب و هوایی لازم هستند. این روند مهاجرت یا پناهندگی، خود به تنهایی منجر به درگیری‌های اجتماعی و حقوقی شده و خواهد شد (Stephens, 2022: 269). اروپا یک گزینه اصلی برای مهاجرت اقلیمی محسوب می‌شود؛ بویژه این قضیه درباره موج آتی مهاجرانی صدق می‌نماید که بدلیل خشکسالی و سیل، از آفریقا و خاورمیانه، به سوی اروپا گسیل خواهند شد. البته در مواردی، اروپا خود شاهد جابجا شدن ساکنانش در جریان طوفان‌هایی نظیر طوفان سیاران در غرب اروپا بوده است. از دیگر دلایل

مهاجرت اقلیمی در درون اروپا می‌توان به بالا آمدن آب دریا در ونیز و هلند، آب شدن یخچال‌های طبیعی در مناطق کوهستانی و پدید آمدن گردبادها در سواحل اقیانوس اطلس اشاره کرد. موج مهاجرت‌های داخلی و خارجی در اروپا باید یک هشدار جدی تلقی شود. برای این منظور، اقدامات لازم با همکاری کشورهای درگیر مشکلات اقلیمی می‌تواند صورت گیرد تا در نهایت بتوان میزان خسارت‌های بار آمده را کاهش داد و مردم را در برابر آسیب مقاوم کرد. باید بتوان قوانین مناسبی را برای محافظت جمعیت‌های مهاجر اقلیمی پیش‌بینی کرد. وضعیت این افراد، معلول عدم تعادل عوامل اقتصادی و زیست‌محیطی در سطح جهانی است.

در راستای دغدغه‌های فوق، پس از بررسی مفهوم مهاجران یا پناهندگان اقلیمی، عوامل ازدیاد نرخ این گونه مهاجرت‌ها، اسناد بین‌المللی منعکس‌کننده ندابیر و سیاست‌ها برای پیشگیری و مدیریت پیامدها مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان، موافقت‌نامه پاریس ۲۰۱۵ و نشست‌های متعاقب آن و در پیوند با آن، بیشتر مورد مذاکره قرار گرفته است.

۱- مفهوم مهاجران یا پناهندگان اقلیمی

در اسناد بین‌المللی و دکترین حقوقی - که در کتب و مقالات علمی منعکس شده است - به لزوم «مهاجر» تلقی شدن و نیز «پناهنده» قلمداد کردن افرادی که بدلیل تغییرات اقلیمی، جابجایی جغرافیایی را برگزیده یا وادار به آن شده‌اند، تاکید شده است. به موجب بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان که سال ۱۹۵۱ تصویب شد، مهاجر اقلیمی نیز با اندکی اغماض جزو پناهندگان می‌باشد و آن شاخصه خاص که در تعریف مزبور نیامده، وقوع تغییرات آب و هوایی و از دست دادن مسکن برای همیشه است. بر مبنای بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون اشاره شده «پناهنده به شخصی اطلاق می‌گردد که در نتیجه حوادث قبل از یکم ژانویه ۱۹۵۱ و به علت ترس موجه از این‌که به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد و به علت ترس مذکور، نمی‌تواند به آن کشور بازگردد» (مرکز مطالعات حقوق بشر، ۱۹۳۲: ۸۶).

مفهوم «پناهندگی» عموماً به یک مکان یا محل جغرافیایی ملازمه و در تاریخ بشری ریشه ای بس کهن و دایمی دارد، برخی آن را تقریباً به قدمت زندگی اجتماعی انسان می دانند. در تاریخ مضبوط و در دسترس آمده است که در تمدن های باستان، هر گاه مخالفی نمی توانست حکومت و جامعه را تحمل کند، حق داشت به نقاط دیگر عالم برود. همچنین براساس قواعد متداول، پناهندگان در ایران باستان، مصر، یونان و امپراتوری روم می توانستند به معابد و مجسمه های خدایان و مراکزی که در آنجا مراسم قربانی کردن به عمل می آید پناه برده و از مجازات مصون بمانند. البته اگر شخصی بدون رعایت قواعد مرسوم پناهنده می شد، عمل او تجاوز به حریم خدایان محسوب شده و مجازات می گردید (عبادی، ۱۳۸۵: ۷).

موسسه حقوق بین الملل تعریفی از پناهندگی به مفهوم عام ارائه نموده که بر اساس این تعریف، به دلایلی که فرد بر مبنای آن در جستجوی حمایت است اشاره نمی شود. در قطعنامه های حاضر، واژه پناهندگی (Asylee) اشاره به سنت پناهجویی در دوره جدید در اروپا از اواخر سده هفدهم شروع می شود. فرار بیش از ۲۵۰ هزار پیرو مذهب پروتستان (هوگونوت‌ها) از فرانسه به کشورهای دیگر اروپایی و آمریکای شمالی به موضوع پناهجویی از این جمله است. انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ بر وسعت پناهندگی در اروپا افزود و مولفه سیاسی را به عنوان دلیل پناهندگی بر دیگر موضوعات همچون تعلقات قومی، نژادی، مذهبی و اقتصادی اضافه کرد. در تورات، پناهندگی به رسمیت شناخته شده است. همچنین در انجیل نیز از کسانی نام برده می شود که در اورشلیم و دیگر اماکن امن پناه گرفته اند. در میان اعراب قبل از اسلام سنت پناهندگی مرسوم و معمول بود که هرکس در حرم کعبه پناه می گرفت، از هر نوع تعقیب و خطری که جسم و جان او را به خطر اندازد مصون بوده و هرگونه شکستن این حرمت گناه به شمار می رفته است (سرافراز، ۱۳۹۴: ۸۱). پس از ظهور اسلام سنت پناهندگی به قوت خود باقی ماند. قرآن کریم در آیه ۶ از سوره توبه می فرماید: «هر گاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، پناهِش ده تا کلام خدا را بشنود. سپس به مکان امنش برسان ...». در دین اسلام، هر مسلمانی حق دارد به هر فرد غیر مسلمان حتی اگر کافر باشد که هنگام جنگ از تعقیب فرار کرده و سرزمین اسلام پناه برده، پناهندگی دهد. چنین شخصی «مستأمن» نامیده می شود.

۱ - وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَنَهُ

در کنفرانس برنامه محیط زیست سازمان ملل که در سال ۱۹۸۵ در نیروبی برگزار شد، عصام الحناوی تعریفی از «پناهندگان محیطی» به این صورت ارائه کرد: «افرادی که به دلیل اختلالات محیطی مشخص (طبیعی و یا ایجاد شده توسط بشر) که هستی آنها را به خطر انداخته و یا کیفیت زندگی آنها را به طور جدی تحت تاثیر قرار داده، مجبور به ترک زیستگاه سنتی خود، به طور موقت یا دائم شده اند» (Karakitapoglu, 2018: 10). در میان تعاریف ارائه شده از «پناهندگان محیطی»، شناخته شده ترین تعریف همین است. راجر زتر، کامیلو بوانو و تیم موریس در سال ۲۰۰۸ نوشته اند که این تعریف سه دسته از افراد را شامل می شود:

(الف) افراد آواره موقت که می توانند پس از جبران خسارت زیست محیطی، به محیط قبلی زندگی بازگردند.

(ب) آوارگان دائمی که در جاهای دیگر اسکان خواهند یافت.

(پ) افرادی که برای کیفیت زندگی بهتر مهاجرت می کنند؛ در حالی که خانه آنها دیگر نمی تواند نیازهای اولیه آنها را برآورده کند (Boano & Morris, 2008: 7).

سازمان ملل متحد پناهندگان را به عنوان آوارگان داخلی به شمار آورده و اعلام می کند که آنها اشخاصی هستند که تحت شرایط اضطرار و بالاجبار خانه های خود را ترک کرده اند تا از مخاصمات مسلحانه، خشونت های جمعی، نقض های فاحش حقوق بشر و مصائب محیط زیست و هر نوع معضل به وجود آمده در نتیجه عملکرد بشر، اجتناب و جان خود و خانواده شان را نجات دهند، با یادآوری این مطلب که این بی خانمانی و مسافرت های اجباری در کشور محل وقوع این حوادث انجام می شود (موتقی، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

۲- منابع معاهداتی حقوق پناهندگی (نظام عام)

راجع به حقوق پناهندگان اسناد مختلفی در سطح بین المللی و منطقه ای به تصویب رسیده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، کنوانسیون ۲۸ جولای ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان، پروتکل ۱۹۶۷ مربوط به وضعیت پناهندگان، کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیر آمیز سال ۱۹۸۴، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد سال ۱۹۶۶، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۹۶۶، کنوانسیون اروپایی حقوق

1- the UN Environment Programme (UNEP)

بشر سال ۱۹۵۰، موافقتنامه دویلین ۱۹۹۰ و رهنمود مورخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۴ شورای اتحادیه اروپا در باره معیارهای حداقل رفتار با پناهندگان و افراد بی تابعیت، منشور آفریقایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق سال ۱۹۶۹، کنوانسیون ۱۹۵۴ کاراکاس در خصوص پناهندگی سیاسی و غیر سیاسی و غیره. از منابع مذکور، مهمترین منابعی که به طور خاص و ویژه به وضعیت پناهندگان پرداخته است را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

۱-۲- کنوانسیون مربوط به پناهندگان ۱۹۵۱

این کنوانسیون پایه و اساس حقوق بین‌الملل پناهندگان را تشکیل می‌دهد که حاوی تعریف پناهنده و حداقل معیار رفتار با پناهندگان است. در جلسه ویژه سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ مشتمل بر ۴۶ ماده و ۱۶ بند الحاقیه به تصویب رسید و در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ به اجرا در آمد. این کنوانسیون در ابتدا به پناهندگان اروپایی پس از جنگ جهانی دوم محدود می‌شد که با تصویب رسیدن معاهده ۱۹۶۷ محدودیتهای جغرافیایی و زمانی آن برداشته شد و محدوده فعالیت های کنوانسیون توسعه یافت. دانمارک اولین کشوری بود که این معاهده را در تاریخ دسامبر ۱۹۵۲ به تصویب رساند. این سند تعریف می‌کند که پناهنده چه کسی است و حقوق افراد پناهنده و مسئولیت کشورهای عضو را نسبت به پناهجویان مشخص می‌کند. ۱۴۵ کشور عضو این کنوانسیون هستند. این کنوانسیون را می‌توان سند اصلی مربوط به وضعیت پناهندگان محسوب نمود، زیرا مقررات آن جهانشمول است و شامل حال هر پناهنده در هر نقطه از جهان می‌شود (جعفری راد، ۱۴۰۰: ۶۵۴).

۲-۲- پروتکل مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷

پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان، مصوب ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷، مکمل و توسعه دهنده مواد کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو است. کنوانسیون ۱۹۵۱ از نظر زمانی به رویدادهای قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ و از نظر جغرافیایی به قاره اروپا محدود بود، در حالی که اساسنامه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل هیچ یک از این محدودیت ها را به همراه نداشت. همین امر به خصوص با بروز مسأله پناهندگی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ مشکلاتی را بوجود آورده بود که در جلسات کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در سال های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ به طور مکرر مطرح گردید و مورد بحث قرار گرفت. پروتکل ۱۹۶۷ درباره وضعیت پناهندگان علاوه بر حذف محدودیت زمانی، مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱ را نیز در بر می‌گیرد. این پروتکل مشتمل بر ۱۵ ماده است و ۱۴۶ کشور عضو آن هستند. این

پروتکل محدودیت های زمانی و جغرافیایی کنوانسیون ۱۹۵۱ را برداشته اما در عین حال به کشورهای عضو آن کنوانسیون اجازه داده تا مختار به پیروی از معیارهای جدید باشند یا همان موارد کنوانسیون را ملاک عمل قرار دهند. بنیادی ترین تحول در متن پروتکل ۱۹۶۷ در مقایسه با کنوانسیون ۱۹۵۱ در ماده (۱) مطرح شده است. در این ماده آمده است که دولت های متعاقد پروتکل، تعهد می نمایند مواد ۲ تا ۳۴ کنوانسیون را کلاً در مورد پناهندگانی که مصداق تعریفی که در این پروتکل آمده است، اجرا نمایند.

۲-۳- اساسنامه کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR)

اساسنامه کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۱، از جمله زیرمجموعه های سازمان ملل مشتمل بر ۳ فصل و ۱۳ بند است. کمیساریا در سال ۱۹۴۹ با اتخاذ تصمیم سازمان ملل متحد، وظیفه حمایت از پناهندگان را به دوش گرفت. در سال ۱۹۵۰ اندیشه ایجاد کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان طی قطعنامه به تصویب رسید و در سال ۱۹۵۱ رسماً به کار خود آغاز نمود. این کمیساریا به منظور محافظت و حمایت از پناهندگان و یاری رساندن در امر بازگشت یا اسکان مجدد آنها تاسیس شده است. شورای اقتصادی، شورای امنیت کمیته مشورتی کمیساریای مزبور را که مرکب از ۵۱ عضو غیر شامل و شامل بود، تاسیس نمود. در طول سال طی جلسات متعدد کمیساریای عالی پناهندگان در ژنو؛ محل، مقدار، چگونگی و اولویت های مساعدت به پناهندگان تعیین می شود.

۳- عوامل افزایش مهاجران اقلیمی

پناهندگان اقلیمی افرادی هستند که به دلیل تأثیرات تغییرات آب و هوایی و گرم شدن زمین باید خانه و اجتماع خود را ترک کنند. پناهندگان اقلیمی متعلق به گروه بزرگتری از مهاجران به نام پناهندگان محیطی هستند. ما هر ساله شاهد پدیده هایی زیست محیطی هستیم که با دخالت انسان یا به وجود می آیند یا تشدید می شوند؛ از جمله این موارد می توان به حوادثی به عنوان بلایای طبیعی با توان صدمه زندگی بالا اشاره کرد. این موارد عبارتند از: ذوب شدن یخچال های قطب شمال و جنوب؛ افزایش جریان سیلاب ها و عبور از مناطق مسکونی؛ گرم شدن دمای زمین به دلیل افزایش صنایع بدون ارزیابی زیست محیطی؛ آتش سوزی عمدی و غیر عمدی جنگلها؛ سوزاندن زباله ها در شهرها؛ افزایش استفاده

1 - United Nations High Commissioner for Refugees

از سموم کشاورزی در همه مزارع و باغات؛ جنگل زدایی و احداث پیست های اتومبیلرانی؛ بیابانزایی؛ سوء استفاده از زمین و کشت بلافاصله محصولات زراعی بدون توجه به قدرت باروری خاک؛ صید بی رویه آبزیان در همه دریاها و اقیانوس های جهان؛ افزایش آزمایشات هسته ای برخی از کشورها در صحاری و دشتهای فقیر شدن خاک در اثر ورزش بادهای گرم و سوزان؛ تخلیه انواع فاضلاب های کشاورزی و صنایع به دریاچه ها و تالاب ها؛ تبدیل شدن اقیانوس ها و دریاها به دپوی زباله؛ شورشیدن آب های شیرین در اثر تبخیر بیش از حد مجاز؛ رانش زمین در اثر استفاده بیش از حد از ژرفاب ها و آب های زیر زمینی باستانی؛ کاهش ضخامت لایه ازن در نتیجه رهاسازی گازهای کلروفلوئوروکربن^۱ و دیگر گازهای مخرب به اتمسفر زمین؛ سدسازی بی رویه در نواحی مختلف سرزمین ها بدون توجه به عواقب زیست محیطی و انسانی، گیاهی و جانوری آن؛ افزایش آفات کشاورزی و به کارگیری سموم غیر قابل تجزیه در کوتاه مدت که موجب از بین رفتن ترکیبات متعادل خاک می گردد؛ افزایش جمعیت جهان؛ فقر، بیکاری و گران شدن هزینه تولید غذا و صدها عامل دیگر که همه آنها به نوعی با عملکرد انسان در ارتباط است؛ جابجایی الگوهای آب و هوایی به ویژه بارش نزولات جوی؛ رشد مصرف سوخت های فسیلی در بسیاری از نقاط جهان؛ دود متصاعد از آگزوز خودروها در جاده های شهری و جاده های کشورهای دنیا (موسی زاده و کهریزی، ۱۳۹۱: ۲۲). کلیه موارد اشاره شده، می تواند موجب جابجایی گسترده تجمعات انسانی شده و برافزایش نرخ پناهندگی اقلیمی اثرگذار باشد. در ادامه به نمونه های واقعی از حوادثی که مهاجرت؛ ولو به نحو موقتی را به دنبال داشته، اشاره خواهیم کرد.

فوران سال ۲۰۱۰ کوه مرابی آدر جاوه اندونزی بیش از ۲۵۰۰۰۰ پناهنده ایجاد کرد. به افرادی که خانه ها و جوامعشان در اثر بلایای زیست محیطی طبیعی یا مصنوعی ویران می شود، پناهنده محیط زیست می گویند. تغییرات آب و هوایی ناشی از رویدادهای طبیعی مانند فوران های آتشفشانی و همچنین فعالیت های انسانی است. تغییر اقلیم از زمان شکل گیری زمین در میلیاردها سال پیش، بارها اتفاق افتاده است. گرم شدن کره زمین جدیدترین دوره تغییرات آب و هوایی است. فعالیت های انسانی مانند سوزاندن سوخت های فسیلی و قطع جنگل ها به گرمایش جهانی کمک می کند زیرا گازهای گلخانه ای را آزاد می کنند. گازهای گلخانه ای گرما را در جو به دام می اندازند. افزایش درجه حرارت مرتبط با گرم شدن

1 - Chlorofluorocarbon
2- Merapi
3- Environmental Refugee

کره زمین باعث آب شدن یخچال‌ها و کلاهک‌های یخی می‌شود. این امر می‌تواند باعث ایجاد سیلاب شود و سطح آب دریاها را بالا ببرد. افزایش دما همچنین منجر به خشکسالی و بیابان‌زایی می‌شود و زمین‌های قابل کشت را به بیابان تبدیل می‌کند. برخی از این اثرات، مانند افزایش سطح دریا، می‌تواند زمین را کاملاً زیر آب قرار دهد و آن را غیرقابل سکونت کند. اثرات دیگر، مانند خشکسالی، زندگی مردم منطقه را غیرممکن می‌کند. پناهندگان اقلیمی متعلق به گروه بزرگتری از مهاجران به نام پناهندگان محیطی هستند. پناهندگان محیطی شامل مهاجرانی هستند که به دلیل بلایای طبیعی مانند آتشفشان‌ها و سونامی مجبور به فرار شده‌اند. صلیب سرخ بین‌المللی تخمین می‌زند که تعداد پناهندگان محیط زیستی بیشتر از پناهندگان سیاسی است که از جنگ و سایر درگیری‌ها فرار می‌کنند (Keane, 2003: 209).

هیأت بین‌دولتی تغییرات آب و هوایش بینی می‌کند که سطح آب دریاها در مجموع بین ۰٫۱۸ تا ۰٫۶ متر (هفت اینچ تا دو فوت) بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۱۰۰ افزایش خواهد یافت. افزایش سطح آب دریاها در حال حاضر باعث ایجاد مشکلاتی در مناطق کم‌ارتفاع ساحلی جهان شده است. به عنوان مثال، حدود نیمی از جمعیت بنگلادش کمتر از پنج متر (۱۶٫۵ فوت) بالاتر از سطح دریا زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۹۵، نیمی از جزیره بولا در بنگلادش به دلیل بالا آمدن سطح دریا، زیر آب رفت و ۵۰۰۰۰۰ نفر بی‌خانمان شدند. دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند بنگلادش تا سال ۲۰۵۰ حدود ۱۷ درصد از زمین‌های خود را به دلیل سیل ناشی از تغییرات آب و هوایی از دست خواهد داد. از دست دادن زمین می‌تواند منجر به ۲۰ میلیون پناهنده آب و هوا از بنگلادش شود (Gehrels, 2010: 26-39). سالانه حدود ۶۵ کیلومتر مربع از زمین‌های ایالت لوئیزیانا در ایالات متحده توسط دریا بلعیده می‌شود. بیشتر زمین‌ها در نزدیکی دلتای می‌سی‌سی‌پی در حال فرسایش هستند. افزایش سطح دریا، ماهیگیری مولد در اطراف دلتا را به دلیل غرق شدن تالاب‌ها در معرض خطر قرار می‌دهد. اکوسیستم تالاب به خاطر زیستگاه‌های بیشتر آب شور از بین خواهد رفت و ماهیگیران باید برای تعقیب ماهی از ساحل دورتر بروند. از بین رفتن تالاب‌ها نیز احتمال آسیب ناشی از طوفان‌هایی مانند طوفان کاترینا را افزایش می‌دهد (Boesch & others, 1994: 103).

مالدیو، کشوری جزیره‌ای در اقیانوس هند، احتمالاً کشوری است که بیشتر از همه در معرض خطر افزایش سطح آب دریاها قرار دارد. مالدیو در بالاترین نقطه خود تنها ۲٫۴ متر (هشت فوت) بالاتر از

سطح دریا قرار دارد. افزایش سطح دریا احتمالاً به دلیل تغییر در اقتصاد و زیستگاه، پناهندگای آب و هوایی بسیاری را ایجاد می‌کند. گردشگری بیش از ۲۵ درصد از اقتصاد مالدیو را پشتیبانی می‌کند. از آنجایی که جزایر به آرامی در زیر آب فرو می‌روند، می‌توانند گردشگران و امکانات توریستی کمتری مانند هتل‌ها را پشتیبانی کنند. ماهیگیری دومین صنعت بزرگ کشور است. محیط زیست و اقتصاد مالدیو با بالا آمدن سطح دریاها و کم نمک شدن آنها در خطر است. ذوب شدن یخ‌های قطبی باعث افزایش میزان آب شیرین در اقیانوس‌ها و همچنین افزایش سطح دریاها می‌شود. افزایش میزان آب شیرین در محیط‌های دریایی، اکوسیستم ظریف صخره‌های مرجانی را که جزایر را احاطه کرده‌اند، تهدید می‌کند. این زیستگاه ممکن است نتواند از بسیاری از ماهی‌ها حمایت کند و ماهیگیری در اطراف مالدیو را تهدید می‌کند. ماهی‌های دیگر ممکن است نتوانند خود را با آب کم نمک وفق دهند. بدون درآمد حاصل از گردشگری یا ماهیگیری، بسیاری از اهالی مالدیو ممکن است مجبور به مهاجرت برای جستجوی شغل جدید شوند. در نهایت، افزایش سطح دریا ممکن است تمام ۱۲۰۰ جزیره مالدیو را غرق کند. این امر همه مردم مالدیو را مجبور می‌کند تا مکان‌های جدیدی برای زندگی پیدا کنند. رهبران مالدیو با رهبران استرالیا، هند و سریلانکا برای برنامه‌ریزی یک برنامه تخلیه در صورت غیرقابل سکونت شدن مالدیو همکاری کرده‌اند (Gagain, 2012: 77).

منطقه شهری ونیز ایتالیا نیز با افزایش سطح دریا در خطر است. ونیز شهری باستانی است که بر روی مجموعه‌ای از جزایر در تالابی در ساحل دریای آدریاتیک ساخته شده است. این شهر همیشه در معرض خطر طوفان و سونامی بوده است. «خیابان‌های» اصلی ونیز در واقع کانال‌ها و آبراه‌های کوچک‌تر هستند. با ورود جزر و مد، کل میدان‌ها یا میدان‌های شهر زیر چندین سانتی‌متر آب قرار می‌گیرند. در قرن گذشته، سیلاب‌ها به نحو فزاینده‌ای بیشتر شده است. در سال ۱۹۰۰، میدان اصلی شهر هفت بار زیر آب رفت و در سال ۱۹۹۶، این موضوع ۹۹ بار رخ داد (Zanchettin, 2021: 2643-2678). اقتصاد ونیز، نظیر مالدیو به گردشگری وابسته است.

۴- تغییرات آب هوایی و مهاجرت اقلیمی در توافق پاریس

تغییرات آب و هوایی یک وضعیت اضطراری جهانی فراتر از مرزهای ملی است. این تغییرات، موضوعی است که نیازمند همکاری بین‌المللی و راه‌حل‌های هماهنگ در همه سطوح می‌باشد. برای مقابله با تغییرات اقلیمی و اثرات منفی آن، رهبران جهان در کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل (COP21) در پاریس در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ به پیشرفتی دست یافتند که به توافقنامه تاریخی پاریس مشهور است. این موافقتنامه اهداف بلندمدتی را برای هدایت کلیه کشورها تعیین می‌کند، موافقتنامه اعلام می‌کند که انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی را به میزان قابل توجهی کاهش دهید. تامین مالی برای کشورهای در حال توسعه برای کاهش تغییرات آب و هوایی، تقویت انعطاف‌پذیری و افزایش توانایی‌ها برای انطباق با اثرات آب و هوایی، از دیگر اهداف پیمان است.

این موافقتنامه شامل تعهدات همه کشورها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و همکاری با یکدیگر برای انطباق با تأثیرات تغییرات آب و هوایی است و از کشورها می‌خواهد که تعهدات خود را در طول زمان تقویت کنند. این موافقتنامه مسیری را برای کشورهای توسعه‌یافته فراهم می‌کند تا به کشورهای در حال توسعه در تلاش‌های کاهش آب و هوا و سازگاری آنها کمک کنند و در عین حال چارچوبی را برای نظارت و گزارش شفاف اهداف آب و هوایی کشورها ایجاد کنند. توافق پاریس چارچوبی پایدار برای هدایت تلاش‌های جهانی برای دهه‌های آینده فراهم می‌کند. این نشان‌دهنده آغاز حرکت به سوی دستیابی به انتشار خالص صفر است. اجرای توافقنامه همچنین برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ضروری است.

در این پیمان اشاره شده است بر توجه به اینکه تغییرات اقلیم برای جوامع انسانی یک تهدید جدی و بطور بالقوه غیرقابل بازگشت تشخیص داده شده، لذا کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در حد خیلی زیادی به منظور رسیدن به اهداف نهایی کنوانسیون مورد نیاز است و بر ضرورت فوریت داشتن رسیدگی به موضوع تغییر اقلیم تأکید شده است. علاوه بر این، حمایت و ترویج همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور بسیج کردن و پرداختن به اقدامات علیه تغییرات اقلیمی توسط تمامی کشورها، ذینفعان غیردولتی از جمله جامعه مدنی، شرکت‌های خصوصی، موسسات سرمایه‌گذار، شهرها و سایر مقامات و جوامع محلی و مردم بومی مورد توافق قرار گرفت.

در موافقت‌نامه پاریس به عنوان عناصر تعهد اعضا، به گزارش فهرست ملی و بررسی آن تأکید شده است. فرآیند بررسی باید توجه ویژه‌ای به قابلیت‌ها و شرایط ملی مربوطه کشورهای در حال توسعه

طرفین داشته باشد. باید از کشورهای در حال توسعه به منظور اجرای چارچوب‌های شفافیت، حمایت شود (Segger, 2016: 202-237). ماده ۱۱ پیمان پاریس، تصریح دارد به مواردی که در ادامه ضمن ۵ بند به آنها اشاره می‌شود: ۱) ظرفیت‌سازی ذیل این توافقنامه باید ظرفیت و توانایی اعضای کشورهای در حال توسعه را افزایش دهد، خصوصاً در برخی کشورهای با حداقل ظرفیت، مانند کشورهای کمتر توسعه یافته، و آنهایی که به ویژه نسبت به اثرات نامطلوب تغییر اقلیم آسیب پذیرند، مثل کشورهای جزیره‌ای کوچک، و همینطور، پیاده‌سازی اقدامات سازگاری و کاهش انتشار و توسعه فن‌آوری، اشاعه و بکارگیری، دسترسی به منابع مالی اقلیم، جنبه‌های مربوط به آموزش و پرورش، آموزش و آگاه‌سازی عمومی، و شفاف‌سازی، گزارش به موقع و دقیق اطلاعات، جهت اقدامات موثر برای تغییر اقلیم تسهیل گردد. ۲) ظرفیت‌سازی باید بصورت کشور محور، براساس نیازهای ملی و پاسخگویی به آنها و با در نظر گرفتن حقوق معنوی کشورهای مروج ظرفیت‌سازی و در سطوح ملی، محلی و منطقه‌ای باشد. ظرفیت‌سازی باید توسط تجربیات آموخته از فعالیت‌های ظرفیت‌سازی ذیل کنوانسیون رهنمود گرفته باشد و باید یک روند مکرر و موثر داشته باشد که مشارکتی، میان بخشی و دارای قابلیت پاسخگویی به هر دو جنس را دارا باشد ۳) همه اعضا باید در جهت توسعه ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه برای اجرای این توافقنامه همکاری نمایند. کشورهای توسعه یافته باید حمایت از اقدامات ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه را افزایش دهند. ۴) همه اعضا باید ارتقاء دهنده ظرفیت‌های در حال توسعه برای اجرای این توافقنامه از جمله از طریق رویکردهای چندجانبه، دوجانبه و منطقه‌ای باشند، و باید به طور منظم در خصوص فعالیت‌ها و اقدامات ظرفیت‌سازی گزارش دهند. کشورهای در حال توسعه نیز باید به طور منظم پیشرفت‌های حاصله در خصوص اجرای برنامه‌ها، سیاست‌ها و فعالیت‌ها و اقدامات ظرفیت‌سازی برای اجرای این توافقنامه را گزارش دهند. ۵) فعالیت‌های ظرفیت‌سازی باید برای حمایت و اجرای این توافقنامه از طریق ترتیبات نهادی مناسب از جمله ترتیبات نهادی مناسب ایجاد شده ذیل کنوانسیون که به این توافقنامه خدمت می‌کنند، ارتقاء یابد. کنفرانس اعضای کشورهای متعاقد توافقنامه پاریس باید در اولین جلسه خود تصمیمی در خصوص ترتیبات نهادی اولیه برای ظرفیت‌سازی در نظر گرفته و بپذیرند.

ماده ۱۲ این توافق تأکید می‌کند که اعضا باید به طور مناسب، با در نظر گرفتن اقداماتی به منظور ارتقاء آموزش، پژوهش و آگاه‌سازی عمومی تغییر اقلیم، مشارکت عمومی و دسترسی عموم به اطلاعات،

به رسمیت شناختن اهمیت این مراحل، با توجه به ارتقاء اقدامات ذیل این توافقنامه، همکاری نمایند. و ماده ۲۱ نیز اعلام می کند که این توافقنامه باید در سیزدهمین روز بعد از تاریخی که حداقل ۱۱ کشور عضو کنوانسیون که مسئول حداقل ۱۱ درصد انتشار گازهای گلخانه ای جهان هستند، اسناد تصویب، پذیرش یا تایید یا الحاقشان را ثبت نمایند، لازم الاجرا شود. این موافقتنامه یک معاهده بین المللی الزام آور است که در ۴ نوامبر ۲۰۱۶ لازم الاجرا شد. در حال حاضر ۱۹۵ طرف (۱۹۴ کشور به اضافه اتحادیه اروپا) به توافقنامه پاریس ملحق شده‌اند (<https://www.un.org/en/climatechange/paris-agreement>).

۵- کنفرانس بین دولتی برای تصویب پیمان جهانی برای مهاجرت ایمن، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۸ مراکش

در ماه دسامبر ۲۰۱۸، دیپلمات‌های بیش از ۱۶۰ کشور به مدت دو روز در مراکش گرد هم آمدند تا پیمان جهانی سازمان ملل برای مهاجرت امن، منظم و منظم^۱ را تصویب کنند. به لحاظ موضوعی این کنفرانس شامل افرادی که در سراسر جهان در حال حرکت به دور از خانه هستند، می شود. یکی از دستاوردهای امضا شده این توافقنامه، شناسایی نقشی بود که آب و هوای وخیم و سایر بلایای مرتبط با آب و هوا می توانند در تحریک آوارگی و مهاجرت ایفا کنند. با توجه به ابتکار نانسن^۲، یک شرکت تحقیقاتی مشترک با حمایت اتحادیه اروپا، و با التفات به اینکه بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، سالانه به طور متوسط ۲۲،۵ میلیون نفر در اثر بلایای طبیعی آواره می‌شوند؛ کارشناسان انتظار دارند با افزایش سطح آب دریاها، طولانی تر شدن خشکسالی و تشدید طوفان، این تعداد افزایش یابد. تا سال ۲۰۵۰، تعداد کل افراد آواره به دلیل آب و هوا می تواند به بیش از ۲۰۰ میلیون نفر برسد که حدود دو درصد از جمعیت جهان است و با این حال، هیچ گونه شناسایی یا حمایت قانونی الزام آور بین المللی برای مهاجران آب و هوایی وجود ندارد (McDonnell, 2019). پیمان جهانی برای مهاجرت، بزرگترین گام را برای حل این مشکل برداشت. این سند از امضاکنندگان خود می خواهد که با نقشه برداری، درک، پیش بینی و رسیدگی بهتر به جنبش‌های مهاجرتی، مانند آن‌هایی که ممکن است در نتیجه بلایای طبیعیه مخاطره بیافتند را شناسایی کنند. همچنین از امضاکنندگان می خواهد که برای شناسایی، توسعه و تقویت راه‌حل‌ها؛ از جمله با ابداع گزینه‌های جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده و ویزا برای مهاجران آب‌وهوایی، همکاری کنند. توصیه‌های آن منعکس کننده توصیه‌هایی است که در سپتامبر توسط یک

1- Global compact for migration / Refugees and Migrants(GCM)

2 - Nansen

کارگروه ویژه سازمان ملل در مورد جابجایی‌ها ارائه شد، که در کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ در پاریس ایجاد شد.

با این حال، راه درازی در پیش است تا هر یک از این گفته‌ها و نوشتارها به مزایای ملموس برای مهاجران آب و هوایی تبدیل شود. پیمان جهانی برای مهاجرت، هنوز تغییرات مهمی در سیاست منطقه ای یا ملی با هدف مهاجران آب و هوا ایجاد نکرده است. ایالات متحده و همچنین استرالیا، اسرائیل، ایتالیا، مجارستان و سایر بازیگران کلیدی در سیاست جهانی مهاجرت، به دلیل نگرانی‌هایی که ممکن است مانع از برنامه‌های مهاجرت داخلی آنها شود، از این توافق خارج شدند. در همین حال، با افزایش جابجایی آب و هوا، شواهد بیشتری در مورد روش‌های پیچیده‌ای که تغییرات آب و هوایی با سایر عواملی که ممکن است فرد را مجبور به مهاجرت کنند و تأثیرات این موج بی‌سابقه تحرک انسان در تعامل است، جمع‌آوری می‌شود. در اواخر سال ۲۰۱۸، زمانی که هزاران مهاجر از آمریکای مرکزی به کاروان‌ها پیوستند، مخاطرات این موضوع به وضوح، در مرز جنوبی ایالات متحده به نمایش گذاشته شد. ارزیابی ماه سپتامبر توسط مقامات مرزی ایالات متحده به مزارع خشکسالی و گرسنگی به عنوان محرک اصلی این مهاجران اشاره کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده با استقرار نیروهای گارد ملی در مرز و تحریک بی‌سابقه‌ای تعطیلی دولت فدرال به دلیل تامین مالی دیوار مرزی واکنش نشان داد. سارناتا رینولدز، مشاور سیاست‌گذاری برای جابجایی و مهاجرت جهانی می‌گوید: «هنوز باید مسیرهای امنی برای افرادی ایجاد شود که با تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی دست و پنجه نرم می‌کنند، به طوری که آنها تصمیمات مهاجرت را تنها در چارچوب یک فاجعه خاص اتخاذ نکنند». در آکسفام^۲ «آنها باید بتوانند در مورد زمان، مکان و نحوه حرکت تصمیم بگیرند» (McDonnell, 2019). چند مکان در جهان پیش‌نمایشی از چالش‌های مهاجرت مرتبط با آب و هوا را ارائه می‌دهند که بسیاری از کشورها و شهرهای سراسر جهان در آینده نزدیک با آن مواجه خواهند شد. بنگلادش، با ساحل کم ارتفاعش، یکی از آنهاست. فرسایش سواحل رودخانه در بنگلادش عامل عمده مهاجرت اقلیمی است. متأسفانه بسیاری از کشورهای بیشتری نیازی به همکاری در این زمینه نمی‌بینند. پیمان جهانی برای مهاجرت بدون ابزار کارآمد اجرایی، در حال حاضر، تنها توصیه می‌کند که مسیرهای مهاجرت را «تقویت» کنید. و کشورها حتی متعهد به «افزایش تدابیر» نشدند. بنابراین هیچ تعهدی برای ویزای آب

1- Sarnata Reynolds

2 . Oxfam

و هوا یا چیزی شبیه به آن وجود ندارد. با این حال پیمان جهانی برای مهاجرت می‌تواند ابزاری باشد که جامعه مدنی برای حمایت از اصلاحات سیاست مهاجرت داخلی استفاده می‌کند. همچنین می‌توان از آن برای تشویق دولت‌ها برای بررسی اینکه آیا سیاست خارجی و برنامه‌های کمکی آنها در حال بهبود یا بدتر شدن جابجایی ناشی از آب و هوا است، استفاده کرد. گزارش ژانویه توسط دفتر پاسخگویی دولت ایالات متحده نشان داد که برنامه های کمک خارجی آمریکا تا حد زیادی این مشکل را نادیده گرفته است (Buss, & Gardner, 2015: 173-213).

۶- مهاجرت اجباری و توسعه

نکته ای طعنه آمیز در این واقعیت وجود دارد و آن اینکه کشورهای در حال توسعه - کمترین مسئول انتشار گازهای گلخانه ای - بیشترین تأثیر را از تغییرات آب و هوایی خواهند پذیرفت. در کنار وضعیت پناهندگان ناشی از جنگ و آزار و شکنجه سیاسی، کشورها بیشترین بار تأمین مهاجران اجباری آب و هوا را بر دوش خواهند داشت، به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۰، بیست کشور با بالاترین نسبت اتباع به عنوان پناهندگان رسمی، درآمد سرانه سالانه فقط ۸۵۰ دلار داشتند در کوتاه مدت، مهاجرت اجباری ناشی از تغییرات آب و هوا، دستیابی به اهداف توسعه هزاره را دشوارتر خواهد کرد. در درازمدت، مهاجرت تغییرات آب و هوایی در مقیاس بزرگ می‌تواند بسیاری از پیشرفت‌هایی که تاکنون انجام شده است را به عقب برگرداند؛ به ویژه ارائه بی وقفه خدمات آموزشی و بهداشتی که زیربنای اهداف نظیر آموزش همگانی و کاهش مرگ و میر کودکان و مادران و مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها. مهاجرت اجباری حداقل از چهار جهت مانع توسعه می‌شود. با افزایش فشار بر زیرساخت‌ها و خدمات شهری، تضعیف رشد اقتصادی، افزایش خطر درگیری، منجر به بدتر شدن شاخص‌های بهداشتی، آموزشی و اجتماعی در بین خود مهاجران خواهد شد. در اینکه مهاجرت ناشی از تغییرات اقلیمی در نهایت بر توسعه تأثیر می‌گذارد، تردیدی نیست. واضح است که ۲۰۰ میلیون نفر که به دلیل تغییرات آب و هوایی آواره شده‌اند، بسیار بیشتر از ۱۰ میلیون نفر برای توسعه مضر و خطرناک است. همچنین تفاوت زیادی در نتایج توسعه بین افرادی که به دلیل فرآیندهای آب و هوایی طولانی مدت (افزایش سطح دریا) و رویدادهای آب و هوایی کوتاه مدت (طوفان) جابجا شده‌اند وجود دارد. شایان ذکر است که، ارقام جمع آوری شده برای مهاجرت اجباری آب و هوا این تمایز را پنهان می‌کند (Brown, 2008: 32-33).

۷- سیاست گذاری های دولتی برای اسکان مجدد مهاجران اقلیمی

دولتها به طور متعارف باید نسبت به ایفاء سه وظیفه یا تعهد اقدام کنند که عبارتند از: وظایف حاکمیتی، وظایف بین‌المللی و وظایف انسانی. وظایف حاکمیتی دولتها به زمامداری یا حکومت مطلوب است که اکنون همه کشورها به سوی آن حرکت می‌کنند؛ یعنی حاکم موظف به حفاظت از نظم عمومی جامعه و پاسداری از اخلاق حسنه و تلاش برای حاکمیت قانون در روابط اجتماعی است که وظیفه مقدسی برای دولت‌ها محسوب می‌شود. وظایف بین‌المللی همان تعهداتی است که بر اساس معاهدات، کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها، میثاقین، پروتکل‌ها، منشور و اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی عام بر دوش اعضای نهاده شده که شامل پرهیز از جنگ، منع تهدید و توسل به زور، حل دوستانه اختلافات و سوءتفاهمات بین‌المللی؛ به ویژه از مسیر داد و ستد و تجارت و مراقبت از ارزش‌های اصیل بین‌المللی است، به همان نحوی که ماده ۱۰۹ منشور سازمان ملل مقرر کرده و ما از آن به عنوان تعهدات عام الشمول در مقابل جامعه بین‌المللی در کلیت خود نام می‌بریم و وظایف انسانی شامل رعایت موازین حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد که شامل احترام دولتها به حق حیات، حق ازدواج، حق اشتغال، حق سفر، حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح، حق داشتن مسکن، حق داشتن تشکل‌های صنفی و دهها حق دیگر است که در نسلهای سه‌گانه حقوق بشری به آنها اشاره شده است (موتقی، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

تکالیف کشورها در خصوص مهاجران و آوارگان اقلیمی عبارتند از: وظیفه شناسایی حقوق بشر برای آوارگان اقلیمی؛ وظیفه عملیاتی کردن اجرای موازین انسانی در مورد پناهجویان آب و هوایی؛ وظیفه تهیه مقدمات برای نظارت بر تمتع مهاجران اقلیمی از حقوق اولیه انسانی و سرانجام اینکه دولت‌ها موظف هستند تا نسبت به بسترسازی فرهنگی برای پذیرش آوارگان اقلیمی در جوامع محلی اقدامات لازم را به عمل آورند.

با این وصف، دولت‌ها مکلفند سلامت جسمی، آموزش همگانی، غذای کافی و سالم، استقرار مجدد در سرزمین جدید و حمایت از دستیابی به توسعه پایدار برای پناهجویان اقلیمی را تضمین کنند و در پنج مرحله این تعهدات انسانی را ایفاء نمایند. این مراحل عبارتند از: (۱) پیشگیری از تخریب محیط زیست و غیر قابل سکونت شدن سرزمین‌ها؛ (۲) آمادگی برای کمک‌های فوری بشردوستانه به

مهاجران اقلیمی آسیب پذیر؛ ۳) تخفیف آلام و درمان بیماری ها و امدادسانی به صورت غذا و دارو؛ ۴) توانبخشی به اشخاص صدمه دیده از تغییرات آب و هوایی؛ ۵) استقرار مجدد و اسکان پناهجویان اقلیمی در کانتینرها و چادرهای امدادی سازمان بین المللی صلیب سرخ و سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۹۱).

۸- رویکرد سازمان ملل متحد در قبال مهاجران اقلیمی

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، یکی از آژانس های تخصصی سازمان ملل متحد است که در ژنو سوئیس واقع شده است. این دفتر در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۵۰ برای محافظت و حمایت از پناهندگان و یاری رساندن در امر بازگشت یا اسکان مجدد آنها تأسیس شد. این سازمان به عنوان جایگزین سازمان بین المللی پناهندگان، و پیشتر از آن، اداره کل نجات و توانبخشی سازمان ملل، به وجود آمد. وظیفه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل رهبری و هماهنگ نمودن فعالیت های بین المللی برای محافظت و رفع مشکلات پناهندگان در سراسر جهان می باشد. هدف اولیه سازمان حراست از حقوق و سلامتی پناهندگان است. این سازمان می کوشد تا از احترام به حقوق پناهندگان و سلامت آنها در کشورهای دیگر، بازگشت داوطلبانه آنها به کشور خود، اسکان مجدد آنها در کشور ثالث و غیره مطابق قوانین بین المللی اطمینان حاصل کند.

سازمان ملل متحد ۲۰ ژوئن را روز جهانی پناهندگان و ۱۳ دسامبر را روز بین المللی مهاجران نامیده است. مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ۶۳/۲۸۱ در سال ۲۰۰۹ تصریح و تأکید نمود که تغییرات آب و هوایی موجب تهدید امنیت در جهان خواهد شد. این قطعنامه با عنوان «تغییرات آب و هوا و پیامدهای امنیتی احتمالی آن» با تأیید مجدد برنامه اقدام برای توسعه پایدار و توجه به کشورهای جزیره ای کوچک در حال توسعه، التفات به بیانیه موریس و استراتژی موریس برای اجرای بیشتر برنامه اقدام برای توسعه پایدار کشورهای جزیره ای کوچک در حال توسعه، را مورد تأکید قرار داده است.

مجمع عمومی ضمن این قطعنامه با یادآوری نتیجه اجلاس جهانی ۲۰۰۵، اعلام می کند که عمیقاً نگران این است که اثرات نامطلوب تغییرات آب و هوایی، از جمله افزایش سطح آب دریا، ممکن است پیامدهای امنیتی احتمالی داشته باشد. قطعنامه از ارگان های ذیربط سازمان ملل متحد دعوت می کند، در صورت اقتضا و در چارچوب وظایف مربوطه، تلاش های خود را در بررسی و رسیدگی به تغییرات

آب و هوا، از جمله پیامدهای امنیتی احتمالی آن، تشدید کنند. همچنین این سند از دبیرکل درخواست می‌کند تا گزارش جامعی را در شصت و چهارمین جلسه مجمع عمومی در مورد پیامدهای امنیتی احتمالی تغییرات آب و هوایی بر اساس دیدگاه کشورهای عضو و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مربوطه ارائه کند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی قطعنامه ۶۴/۳۵۰ در سال ۲۰۰۹ ضمن اذعان به خطر غرق شدن دولت‌های جزیره‌ای، به پیامدهای ناگوار آن را اشاره نموده است.

۹- رویکردها در قبال سازوکار زیان و خسارت ناشی از تغییرات اقلیمی

زیان و خسارت در نظام بین‌الملل تغییر اقلیم با آنچه در حقوق بین‌الملل عام و به ویژه حقوق مسئولیت بین‌المللی متداول است، واجد مفهوم یکسانی نیست. بر اساس این مفهوم، دولت‌هایی که در کاهش گازهای گلخانه‌ای کوتاهی می‌کنند، ممکن است در برابر کشورهای که در نتیجه پیامدهای تغییر اقلیم آسیب دیده‌اند، موظف به تأمین مالی، ظرفیت‌سازی، انتقال فناوری و اقدامات مشابه شوند. این مفهوم به معنای پرداخت غرامت و مسئولیت بین‌المللی به مفهوم حقوقی آن نیست. ایده نخستین زیان و خسارت در سال ۱۹۹۱ توسط گروه دولت‌های جزیره‌های کوچک در کنفرانس تغییر اقلیم ریو در قالب یک سازوکار بیمه بین‌المللی ارائه شد تا راه حلی برای جبران سریع خسارات اقلیمی باشد (Simonelli, 2016).

گروه کشورهای آسیب‌پذیر که دولت‌های جزیره‌ای کوچک در رأس آن قرار دارند، استدلال می‌کنند که ضرورت دارد، سازوکاری برای زیان و خسارت ایجاد شود و از آنجا که کشورهای پیشرفته صنعتی بیشترین سهم و مسئولیت را در تولید گازهای گلخانه‌ای و گرمایش زمین داشته‌اند، در زمینه تأمین مبنای پرداخت خسارات، باید سهم بیشتری داشته باشند. در مقابل کشورهای صنعتی به جهت رفع پیامدهای مالی ناشی از این ایده، استدلال می‌کردند که چنین تعهدی ندارند. برخی کشورهای توسعه یافته در مخالفت با پیشنهاد یادشده ادعا کردند که ضرورتی برای ایجاد ترتیبات جدید در خصوص مسائل مربوط به زیان و خسارت از جمله مهاجرت وجود ندارد و این موضوعات را می‌توان در چارچوب سازوکارهای موجود مانند برنامه‌های سازگاری ملی ارزیابی کرد (Yoro, & Daramola, 2020: 3-28).

علی‌رغم مخالفت‌ها به ویژه از سوی کشورهای صنعتی و توسعه یافته، سرانجام در نقشه راه بالی توافق شد مسأله چگونگی انجام «حمایت» فنی یا مالی از کشورهای آسیب‌پذیر در چارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم بررسی شود، هرچند در آن به مهاجران اقلیمی اشاره‌ای نشد. همچنین در سند یادشده از هر گونه اشاره به عباراتی که شائبه ایجاد مسئولیت داشت، اجتناب شد. با توجه به اینکه مهاجرت اقلیمی در چارچوب زیان و خسارت وجود نداشت و در نتیجه، در توافقنامه کانکون که برای اولین بار مسأله مهاجرت اقلیمی را شناسایی می‌کرد نیز خلأ برقراری پیوند بین این دو موضوع جبران نشد. به نحو مشابهی، سند نهایی کنفرانس ورشو که سازوکار بین‌المللی زیان و خسارت را ایجاد کرد نیز در برقراری پیوند بین این دو موضوع ناتوان ماند. سازوکار ورشو هم اکنون به عنوان اهرم اصلی نظام ایجاد شده توسط کنوانسیون تغییر اقلیم در فراهم آوردن مبنایی برای تأمین مالی و کمک‌های فنی در هنگامی که اقدامات سازگاری یا برنامه‌های کاهش گازهای گلخانه‌ای در چاره‌جویی از آسیب‌های اقلیمی بسنده نیستند، عمل می‌کند. با این حال، برای تغییر اقلیم را منعکس کند، سازوکار «فراسازگاری» آنکه مقررات مربوط به زیان و خسارت آثار ورشو به عنوان یک سازوکار مستقل شکل نگرفت، بلکه در ذیل چارچوب سازگاری کانکون قرار گرفت. ماهیت سازوکار ورشو در زمره حقوق نرم قرار می‌گیرد؛ به این معنا که دربردارنده تعهدات الزام آور مالی یا غیرمالی برای کشورهای پیشرفته صنعتی برای مشارکت و همکاری با دولت‌های آسیب دیده نیست. به همین دلیل است که سند ورشو به هیچ یک از واژگانی که ممکن است از نظر حقوقی شبهه ایجاد تعهد داشته باشند، اشاره نمی‌کند. ضمن آنکه چگونگی کارکرد و محتوای سازوکار زیان و خسارت به طور کامل روشن نیست و عملکرد آن شکلی ملموس به خود نگرفته است (Lyster, 2015: 125-151).

ماده ۸ موافقت‌نامه پاریس، مقررۀ کلیدی در خصوص موضوع بحث است. ماده یادشده به عنوان نخستین مقررۀ مندرج در یک عهدنامه بین‌المللی، با به کار بردن عباراتی عام‌الشمول «از میان برداشتن، به حداقل رساندن، پرداختن به زیان و خسارت ناشی از آثار مخرب تغییر اقلیم» را به رسمیت شناخته است. با این حال، در این ماده اشاره‌ای به جابه‌جایی‌های متأثر از تغییر اقلیم نشده و در نتیجه، پیوندی را نیز میان سازوکار زیان و خسارت و جابه‌جایی‌های اقلیمی برقرار نساخته است. برای رفع نگرانی برخی دولت‌ها در خصوص چگونگی تفسیر مفاد ماده ۸ موافقت‌نامه پاریس، در بند ۵۰ سند پایانی

کنفرانس پاریس مقرر شد که مفاد ماده ۸ را نمی توان به گونه ای تفسیر کرد که به عنوان مبنایی برای تعهدی دولت ها در زمینه گرامت و مسئولیت بین المللی قرار گیرد (رنجریان، ارغنده ور، ۱۳۹۹: ۸۷۲).

نتیجه گیری

مهاجرت اقلیمی همیشه با زندگی آدمی همراه بوده است؛ ولی امروز، بدلیل بالا رفتن خسارت های ناشی از تغییرات آب و هوایی، این مساله به واقعیتی بیش از پیش، ضروری بدل شده است. سازمان ملل متحد برای این مسأله یک تعریف واحد ندارد و این امر موجب می شود که پناهنجویان، از امنیت لازم در حقوق بین الملل برخوردار نباشند؛ زیرا جدا کردن عامل آب و هوا از پدیده مهاجرت و همچنین بر دوش گرفتن مسئولیت سیاسی دولت ها هنگام بروز یک فاجعه زیست محیطی، دشوار است. در اسناد بین المللی و دکترین حقوقی - که در کتب و مقالات علمی منعکس شده است - هم به ماهیت «مهاجر» تلقی شدن و هم «پناهنده» قلمداد کردن افرادی که ناشی از تغییرات اقلیمی جابجایی جغرافیایی را برگزیده یا وادار به آن شده اند، اشاره شده است. به موجب بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان که سال ۱۹۵۱ تصویب شد، مهاجر اقلیمی نیز با اندکی اغماض جزو پناهندگان می باشد و آن شاخصه خاص که در تعریف مزبور نیامده وقوع تغییرات آب و هوایی و از دست دادن مسکن خود برای همیشه است.

از مهمترین توافقات بین المللی راجع به تغییرات اقلیمی، پیمان پاریس ۲۰۱۵ است. این موافقتنامه شامل تعهدات همه کشورها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و همکاری با یکدیگر برای انطباق با تأثیرات تغییرات آب و هوایی است و از کشورها می خواهد که تعهدات خود را در طول زمان تقویت کنند. این موافقتنامه مسیری را برای کشورهای توسعه یافته فراهم می کند تا به کشورهای در حال توسعه در تلاش های کاهش آب و هوا و سازگاری آنها کمک کنند و در عین حال چارچوبی را برای نظارت و گزارش شفاف اهداف آب و هوایی کشورها ایجاد کنند. توافق پاریس چارچوبی پایدار برای هدایت تلاش های جهانی برای دهه های آینده فراهم می کند. اجرای این توافقنامه همچنین برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار ضروری است.

رسیدگی به وضعیت اضطراری آب و هوا در سیاره ما پاسخ قاطعانه از سوی مقامات دولتی، اقدامات حاکمیتی و حکومتی و دستورالعمل های مؤثری را می طلبد که بتواند جامعه بین المللی را در اعمال آن،

متقاعد و ملزم نماید. تعریف ابزارهای پیش بینی شده در مقررات تغییر اقلیم، نشان دهنده گامی رو به جلو در تعریف اهداف اقلیمی است. این مقررات اشعار می دارد، تحولاتی که در ابتدا برای دستیابی به اهداف موقت قابل اجرا تا سال ۲۰۳۰ باید اتفاق بیفتد، الزامی و ضروری هستند. اسناد حقوقی نرم (غیرالزام آور) بسیاری در هر دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای با هدف خشتی سازی کربن به تصویب رسیده است. اما هیچ یک از اینها نمی تواند به طور کامل اجرا شود؛ مگر این که مکانیسم های هنجاری «حقوق سخت» برای آن در دسترس باشد. در این زمینه، راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت به‌عنوان یک مکانیسم نوآوری که چرخه اکوسیستم‌ها و منابع طبیعی را در بر می‌گیرد، برای دستیابی به اهداف کاهش تغییرات اقلیمی و سازگاری، اهمیت پیدا می‌کند.

پیشنهاد خط مشی‌های پیرامون راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت، تا به امروز مهمترین گام‌ها بوده‌اند، اما به اندازه کافی به کار گرفته نشده‌اند، زیرا یا از تامین مالی پروژه‌های اجرایی جدید در سطح محلی یا منطقه ای حمایت می‌کنند یا فاقد یک مرجع هنجاری خاص فراتر از چارچوب عمومی ارائه شده توسط مقررات تغییرات آب و هوا هستند. تلاش برای ادغام ابزارهای قانونی هنوز در مراحل نخستین است. شاید مشکل مهاجرت‌های اقلیمی، آن قدرها هم که برخی فکر می‌کنند، مربوط به کمبود منابع نباشد؛ بلکه آنچه به عنوان اولویت‌ها در این مسیر قلمداد می‌شود؛ عبارتند از عدم آگاهی، بی توجهی به ضرورت طرح ریزی اکوسیستم و فقدان الزامات قانونی و تعهدات سخت حقوقی. در حالی که جامعه جهانی برای تصویب مقررات جدید تلاش می‌کند، زیست بوم سیاره زمین هر روزه بیشتر از اثرات تخریبی رنج می‌برد و این رنج به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- جعفری‌راد، خداداد (۱۴۰۰). حقوق پناهندگان در اسناد بین‌المللی، قانون یار، ۵ (۱۷)، ۳۱-۴۷.
- رنجبریان، امیرحسین و ارغنده پور، نفیسه (۱۳۹۹). مهاجرت‌های اقلیمی در حقوق بین‌الملل: راه دشوار دولت‌های آسیب‌پذیر، مطالعات حقوق عمومی، ۵۰ (۳)، ۸۵۹-۸۸۰.
- سر فراز، فرشید (۱۳۹۴). حقوق بشر مهاجران در نظام حقوق بین‌الملل: بررسی وضعیت گروه‌های مختلف مهاجران اعم از اجباری و اختیاری و مجاز و غیرمجاز در نظام بین‌المللی و برخی نظام‌ها، نهران، مجد.
- عبادی، شیرین (۱۳۸۵). حقوق پناهندگان (نگاهی به مسائل حقوقی پناهندگان در ایران)، تهران، گنج دانش.
- مرکز مطالعات حقوق بشر (۱۹۳۲). گزیده‌های از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- موتقی، حسن (۱۳۹۶). الزامات و پیش‌بینی‌های حقوق بین‌الملل برای استقرار مهاجران اقلیمی در مقصد، مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۰ (۳۷)، ۱۰۵-۱۲۲.
- موسوی زاده، ابراهیم؛ و کهریزی، رزیتا (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین‌الملل. تهران: دانشگاه تهران.
- میرترابی، هدیه سادات؛ طیبی، سبجان؛ و جم، فرزین (۱۳۹۱). چالش‌های حقوق بشری در قبال آوارگان در پرتو تغییرات آب و هوایی؛ مسئولیت، ابزارها و رژیم بین‌المللی، در کتاب رهیافت‌های نوین در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست. با دیباچه سید فضل‌الله موسوی و علی مشهدی و به اهتمام سبجان طیبی. تهران: خرسندی.
- Boano, C., Zetter, R., Morris, T. (2008) "Environmentally Displaced People: Understanding the Linkage Between Environmental Change, Livelihood and Forced Migration", Forced Migration Policy Briefing 1, Refugee Studies Centre, Retrieved from: <https://www.rsc.ox.ac.uk/publications/environmentally-displaced-people-understanding-the-linkages-between-environmental-change-livelihoods-and-forced-migration>.
- Boesch, D. F., Josselyn, M. N., Mehta, A. J., Morris, J. T., Nuttle, W. K., Simenstad, C. A., & Swift, D. J. (1994). Scientific assessment of coastal wetland loss, restoration and management in Louisiana. *Journal of Coastal Research*, i-103.

- Brown, O. (2008). Migration and climate change. United Nations. P 32-33. Retrieved from: <https://www.un-ilibrary.org/content/books/9789213630235/read>
- Buss, T. F., & Gardner, A. (2015). Why Foreign Aid to Haiti Failed—and How to Do It Better Next Time. In *Foreign Aid and Foreign Policy* (pp. 173-213). Routledge.
- Eckersley, R. (2015). The common but differentiated responsibilities of states to assist and receive 'climate refugees'. *European Journal of Political Theory*, 14(4).
- Gagain, M. (2012). Climate change, sea level rise, and artificial islands: Saving the Maldives' statehood and maritime claims through the constitution of the oceans. *Colo. J. Int'l Envtl. L. & Pol'y*, 23, 77.
- Gehrels, R. (2010). Sea-level changes since the Last Glacial Maximum: an appraisal of the IPCC Fourth Assessment Report. *Journal of Quaternary Science*, 25(1), 26-38.
<https://education.nationalgeographic.org>
<https://education.nationalgeographic.org/resource/environmental-refugee/>
<https://jplsq.ut.ac.ir>
<https://www.kyha.com>
<https://www.rescue.org>
<https://www.un.org/en/climatechange/paris-agreement>
- Karakitapoglu, E. B., Larsson, M., & Reuben, A. (2018). Climate Refugees: The Science, the People, the Jurisdiction and the Future. *Fores*. P 10.
- Keane, D. (2003). The environmental causes and consequences of migration: a search for the meaning of environmental refugees. *Geo. Int'l Envtl. L. Rev.*, 16, 209.
- Lyster, R. (2015). A fossil fuel-funded climate disaster response fund under the Warsaw international mechanism for loss and damage associated with climate change impacts. *Transnational Environmental Law*, 4(1), 125-151.
- McDonnell, T. (2019). Climate migrants face a gap in international law. Centre for International Governance. February, 12, 2019.

- Segger, M. C. C. (2016). Advancing the Paris Agreement on climate change for sustainable development. *Cambridge International Law Journal*, 5(2), 202-237.
- Simonelli, A. C. (2016). *Governing climate induced migration and displacement: IGO expansion and global policy implications*. Springer.
- Stephens, M. (2022). The Great Climate Migration: A Critique of Global Legal Standards of Climate Change-Caused Harm. *Sustainable Dev. L. & Pol'y*, 23, 16.
- Stern, N. (Ed.), *The Economics of Climate Change: The Stern Review*”, Cambridge University Press, Cambridge, 2006, p. 77.
- Xinhgshu, Z(2007), “Climate security in Asia: Perception and reality”, presentation at the RUSI Conference on Climate Security in Asia, 24 April.
- Yoro, K. O., & Daramola, M. O. (2020). CO2 emission sources, greenhouse gases, and the global warming effect. In *Advances in carbon capture* (pp. 3-28). Woodhead Publishing.
- Zanchettin, D., Bruni, S., Raicich, F., Lionello, P., Adloff, F., Androsov, A., ... & Zerbini, S. (2021). Sea-level rise in Venice: historic and future trends. *Natural Hazards and Earth System Sciences*, 21(8), 2643-2678.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی